



بررسی کثرات در مرتبه ذات از دیدگاه صدرالمتألهین و عرفا

گروه علمی عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع «کثرات در مرتبه ذات از دیدگاه صدرالمتألهین و عرفا» با ارائه حجت الاسلام والمسلمین عشاقی برگزار شد...

هفتاد و نهمین جلسه گروه علمی عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع «کثرات در مرتبه ذات از دیدگاه صدرالمتألهین و عرفا» با ارائه حجت الاسلام والمسلمین عشاقی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، هفتاد و نهمین جلسه گروه علمی عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع «کثرات در مرتبه ذات از دیدگاه صدرالمتألهین و عرفا» با ارائه حجت الاسلام والمسلمین عشاقی برگزار شد. وی فروق دیدگاه عرفا و صدرالمتألهین در زمینه کثرات در مرتبه ذات را بیان کرد که گزارش کوتاهی از این نشست در پی می آید:

الف: دیدگاه صدرالمتألهین ناظر به نوعی کثرت در وحدت است که گرچه این کثرت در مرتبه ذات، در اوج ضعف است؛ (زیرا وحدت در آنجا در اوج قوت است) اما با این حال کثرت در آنجا به کلی مضمحل نمی شود، بر خلاف دیدگاه عرفا که کثرات در ذات به کلی راه ندارند، چون کثرات همه از سنخ ظهورات ذاتند و ظهورات در مرتبه ذات نیستند «ضلت فیک الصفات و تفسخت فیک النعوت». دیدگاه فوق در عبارات صدرالمتألهین و شرح کلام ایشان به وفور یافت می شود که نمونه های زیر از آن جمله است.

وی از کثرات منطقی در مرتبه ذات با تعبیر «الصور الإلهية» یاد کرده و چنین می گوید: «أما إذا كانت (الصور الإلهية) عینه من حيث الحقيقة و الوجود و غیره من حيث التعین و التقید فبالحقیقة لیس هناك حال و لا محل بل شيء واحد متفاوت الوجود بالکمال و النقص، و البطون و الظهور» (اسفار ج 6 ص 261)؛ در این عبارت مغایرت صور منطوی در ذات را با خود ذات از قبیل مغایرت مقید با غیر مقید، و مغایرت ناقص با کامل، و مغایرت باطن با ظاهر قرار می دهد که تصریحی است به نوعی مغایرت تشکیکی بین ذات و کثرات منطوی در آن.

«فکل بسیط الحقیقة لا بد و أن یکون کل الموجودات علی ترتیب نظام سببی و مسببی آت من الأشرف فالأشرف إلى الأخس فالأخس» (مفاتیح الغیب ص 335) در این عبارت هم ایشان ثبوت کثرات در بسیط الحقیقه را (که مصداق اتمش خود ذات حق است) با ترتیب همراه می داند که بر اساس آن، نوعی تقدم و تأخر در آن کثرات شکل می گیرد و به نوعی مغایرت تشکیکی بین ذات و کثرات منطوی در آن قائل می گردد.

همچنین در مسأله علم حق به اعیان موجودات در مرتبه ذات به ثبوت کثرت در عین وحدت تصریح کرده چنین می گوید: «لما کان علمه بذاته هو نفس وجوده و كانت تلك الأعیان موجودة بوجود ذاته فکانت هي أيضا معقولة بعقل واحد هو عقل الذات فهي مع کثرتها معقولة بعقل واحد كما أنها مع کثرتها موجودة بوجود واحد فإذن قد ثبت علمه تعالی بالأشیاء کلها في مرتبة ذاته قبل وجودها» (اسفار، ج 6، ص 283)

در کلام محقق سبزواری به ثبوت کثرت به عین وحدت تصریح شده: «فذاته تعالی عقل بسیط و في عین بساطته جامع في مرتبة ذاته لكل معقول و کل خیر و کمال بنحو أعلى و أبسط و هذا إشارة إلى مسألة الکثرة في الوحدة و أن الوجود البسيط کل الوجودات بنحو أعلى» (منظومه، ج 3، ص 599)

بنابراین روشن شد که از دیدگاه صدرالمتألهین کثرات در مرتبه ذات گرچه به وحدت باز می گردند اما این رجوع به وحدت با تحفظ بر بقاء کثرت و لو به نحو ضعیف است و همین مسأله است که موجب ورود اشکال به این دیدگاه می گردد، زیرا چنانکه قبلاً گفته «وجود» بطبیعت مساق با وجوب ذاتی است؛ لذا هر گونه کثرت وجود، ملازم با کثرت واجب بالذات است.

ب: در دیدگاه صدرالمتألهین نسبت بین کثرات و ذات و نیز نسبت بین خود کثرات، نسبت اتحاد وجودی است؛ اما در دیدگاه عرفا نسبت، وحدت محض است؛ یا به بیان صحیح تر اصلاً نسبتی نیست، چون نسبت، بین دو شیء شکل می گیرد، در مرتبه ذات هیچ کثرتی راه ندارد.

ج: در دیدگاه عرفا تمایز کثرات، تمایز ظهوری است، نه تمایز وجودی و لذا در مرتبه ذات که ظهوری نیست تمایزی نیز نیست، اما در دیدگاه صدرالمتألهین تمایز کثرات، تمایز وجودی است و لذا در مرتبه ذات، تمایز وجودی برقرار است. چنانکه در عبارت منقول از ایشان (بند 1) به این معنا تصریح می کند.

د: در دیدگاه صدرالمتألهین کمالات حق وابسته به ثبوت آن شأن کمالی در مرتبه ذات خواهد بود که این ملازم با ثبوت نوعی وابستگی است، ذات داء، حقه، داشت، کمالات، اما در دیدگاه عرفا ملاک کمال، ذات حقه، فقط نفس، ذات است.

ه: در دیدگاه صدرالمتألهین بعد از تنزل از مرتبه ذات آنچه تحقق می یابد از سنخ وجود است که موجب تکثری جدید در وجود می گردد. حال آنکه در دید عرفا آنچه پدید می آید از سنخ ظهور است که موجب تکثری در خود وجود نمی گردند.